امروز بامولانا

برش

هر خون جگر که بی تو خور دم هیچ است

درمان که کند مرا که در دم هیچ است

سر بالامي رود

خود انگار تمامدنیا

نمے دانند

بيامبرىست

کهچشمان توراقبله می کند که تمام دنیارا

در انعــکاس نــگاه تو گـــه

برشى از كتاب «پيامبرى که هر شباز یک بوسه می میر دو هر صبح»







اراده زنان ایرانی همیشــه زبانزد خاص و عام بوده ست. عقیده دارم در نهان بانوان این کشور، محرکی وجود دارد که آنها را در بسیاری از مراحل پا به پای آقایان به حرکت وامی دارد. در بعضی اوقات حتی این ر "عاب می شود می شده می شود. کمایت در هر عرصه، از هر کسی و در هر شــر ایط، اثر مثبت دارد امانکتهای که مهم و قابل توجه خواهد بود، انتخاب هایی اســت که زنان ایرانی بر می گزینند زیرا جامعه امروز تبدیل به بستری شده، که برای تمامی فعالیتها عضو ہے۔ ہےپذیر دُوخدانکند که روزی این پار گیری در امتداد هی په پیرخو فعالیتهای نامناسب باشـد. در این میان موضوع حایز اهمیت، خودباوری زنان اسـت. برخوردار بودن ز خود باوری یعنی این که نیمی از راه مورد نظر را

سوسوس بر سیدار ناسستان و بوش ایه ساز پر زن هازمانی که کاری را انتخاب و موضوعی را با هدف خاص دنبال می کنند بیرای تر سیجوبه تحقق رساندن آن بهترین عملکر در اخواهندداشت و تلاش مضاعفی به کار می برند. در کشور مازنان زیادی حضور دارند که به چاپ الگوهای مناسبی برای تمام زنان این کشور هستند

حتی فراتر از آن، ما بانوانی داریم که برای همجنسان

. صرفنظر از همه اینها، معضلات و ناهنجاری هایی

مُواقع تعيين كننده است. با همين زاويه ديدانُ که من چهره شهرم را بهرغم تمام ناملایمات مهربان میبینیم و دوست دارم این گونه ببینم. دیدی که در بایدبرای یکدیگر معجزه کنیم منظور از معجزه اشاره به معنای واقعی کلمه نیست بلکه منظورم کمک به

نیز وجبود دارد. معضلاتی که در تمیام جوامع دیده می شُـودُ و بخُش زیادی از افراد یک جامعهُ را با خود مرتبط میسازد. این معضلات هست اما در این جا انتُخاب افـرادُ حايز اهميت اسـت. اسـاسُ جامعه تعريفش همين اسـت. مجموع افرادي كه هر كدام از آنها انتخاب خاص خود را دارند. من این موضوع را قبول ندارم که جامعهای که دچار مشکلات زیاد است حتماافراد آن جامعه نیز باید دچار آن معضلات شوند قبول دارم که شرایط می تواند برای افراد سخت

(O) A

در عشــق تو هر حیله که کردم هیچ است

از درد تـو هیـچ روی درمانـم نیسـت

1

بهيادممىآورند انشعابدريا

برتنبرهنهزه ر ن.ر يعنىچە آنوقت

اگر روزی

ریدهم روزی که دلمبرای کو روزی که

منهمجارىش

تمام انشعاب تو ر

ہے,مناسبت

خارجی خـود یک باور یــا یک قهرمان، طی کردهایم. متاسفانه گاهی دیدهایم که بانوان ما می شوند و بسیاری از موفقیتها را در کارنامه خُود ر مقایسه با همجنسان خارجی خود، دچار یأس و ناآمیدی می شوند. این، موضوعی بسیار در دناک است اما در واقعیت ماجرا این گونه نیست و من معتقدم که بانوان مانه تنها چیزی کم ندار ند بلکه دارای نیر وهای . ری در بخش های مختلف هستند. مهم ترین عظیم در بخش های مختلف هستند. مهم ترین موضوع در جامعه زنان ما، هدف دار بودن آنها است زیرا

## یک خبر ایک نگاه

## حريم سعدالسلطنه قزوين ياركينك طبقاتي مي شود

منهمجاري شدم

آنتوان دوسنت اگزویری

به گـزارش خبرگـزاری میـراث فرهنگـی، شـهرداری قزوین با حکم دادسـتانی و بااستناد شهرداری فازوین با حکم دادستانی و بااستناد به مصوبه کمیســـون مـــاده 20 و موافقت رئیس اداره میراث فرهنگی اســتان قزوین در سال ۱۹۸۶ ادامایه به گودیرداری برای ســاحت یک پارکینگ طبقاتی کرده است. این حرکت شهرداری قزوین در حالی است که «محمدعلی حضر تی ها»، رئیس ر علی است استفاده می عمومی ادار میراث فرهنگی استان قزویت، اقدام اخیر شهرداری رامخالف موازین میراث فرهنگی دانسته و به خبر گزاری CHN گفته است: «شهرداری وبه سبر طروی محاهنگی با میراث فرهنگی اقدام به قزوین بدون هماهنگی با میراث فرهنگی اقدام به خاکبرداری و ساخت یک پارکینگ طبقاتی در امامزاده نبی و حریم سعدالسلطنه قزوین کرده است. آنطور کهرئیس اداره میراث فرهنگی قزوین می گوید، کمیسیون ماده ۵ در حالی این مصوبه را

بار دیگر حریم آثار باستانی در تیررس ساختُوســـازُ قـــرار گرفـــت و این بار بخُشــ خانه «حـــاج ملاعبدالوهاب شـــفاعی» بنیانا یںبر بحسی از مفاعی، بنیانگذار «مسـجدالنبی» قزویـن و همچنیـن حریــم مجموعه «سعدالسـلطنه» و عرصه «کاروانسرای وزير، و «مدرسه محسنيه» بأ ١٠ها كُميرسي و بیل مکانیکی توسط شهرداری مورد تجاوز و گودبرداری واقع شد تا در این مکان یک پارکینگ

صادر کرده که رئیس اداره میراثفرهنگی قزوین در سُــالُ ۸۶ با تغییر کاربـری پار کینگ موافَقت کرده بود و هماکنون شهرداری با دهها کمپرسی و بیل مکانیکی در حال گودبرداری است. به گفته حضرتی ها، گودبرداری شهرداری برای ساخت پارکینگ طبقاتی در جنسوب و حریم درجه یک پر سب سبی در بسوم و حربها جردانید کاروانســرای وزیر و در ضلع غربی مســجدالنبی و شبســتان زیرزمینی در حال انجام اســتد این در حالی اســت کــه مجموعه سعدالســلطنه در ر کی شــمال این گودبرداری ومدرســه محســنیه در قسمت شرقی این پارکینگ طبقاتی قرار گرفته است. رئیس اداره میراثفرهنگی استان قزوین همچنین تأکید کرد، در حال حاضر گودبرداری شهرداری قزوین در بخُشی از خانه تاریخی حاج ملاعبدالوهاب شفاعی بنیان گذار مسجدالنبی قزوین در حال انجام است. او همچنین اعلام کرده در حــال حاضر مخالفتهــا و تماسهای تلفنی میراثفرهنگی برای جلوگیری از اقدام شهرداری قزوین به نتیجهای نرسیده است بهطوری که شهرداری به هیچوجه حاضر به عقبنشینی بیست. حال باید دید در چند روز آینده برای حفظ 

شاتر



## خودانتقادي

وشته من است. یکی از این اشتباهات آن است که

ر در کتاب تجربه عرفان،دین را باعرفان یکی گرفته ام

و نظریات غزالی و مرحوم علامه طباطبایی را برای ارایه این نظریه مورد توجه قرار دادم اما حالا که به

ین سن وسال رسسیدهام عرفان و دین را موضوعات

از هم جدایی می دانم و می توانم بگوییم به اندازه ۱۸۰ درجه از نظر پیشینم، فاصله گرفته ام از سوی

ديگر بايد بگويم از نقدي كه ديگران بر آثار من دارند

دیمر بید بعویه ارتفای کا بیمران بر ادار می دارند هماستقبال می کنم. آقای اوجبی، نویسنده، مترجم و مصحح آثار فلسفی که بعدا نامسش را آموختم

وُ با او آشــنا ُشــدم، به كتاب تجربه عرفانَ منَ نقد

ر به و مصحه به حصوبه مربه عرب المصطلاح مفصلی نوشت و از من خواست جواب به اصطلاح دندان شــُکنی به این نقــد بُدهم وقّتــی آن نقد را خواندم تمام جوابم در این جمله خلاصه شــد که

امن آن دست را می بوسه که این کتاب را بادقت به دست گرفته و خوانده است.من تمام ایرادهایی که آقای اوجبی به کتابم گرفته است را می پذیرم و برای

هر کدام از این ایرادها هزاران تشکر دارم. بااین وجود معتقدم ایرادهای کتاب مربوطه بیش از مواردی که

ایشان به آن اشاره کردند، است، بنابر این یکی از تنها

کسانیهستم کهنقددیگران بهنوشتههایمراهمراه

كتابهايممنتشر مي كنم. كتابي تحتعنوان تاريخ

تحلیلی فلسفه نوشته ام که ۴ نفر از اساتیدقم به آن نقد نوشــــته اند. من نقد هر ۴ نفر را در انتهای کتاب

چاپ ُکردهام برخی از همان ُاساتید بعداانتقاد کردند که چرا نوشتههای ناپخته ما را در آن کتاب چاپ

کردهاید. مُن در پاسخ گفتم ممکُن است حرفهایی که من نوشته ام ناپخته باشند. شعار همیشگی من

این است که «هر نظری مثل خبر احتمال صدق و

#### نوشتم:دست نقادرامي بوسم



حيى يثربي 130

نداشت. نقد نوعی اصلاحطلبی و افزون خواهی است.بااین توضیح که آدمی تفکر فلان فردیا فلان مکتبرا بررسی می کند تا به نقصانهای احتمالی بهتر شدن باشتج درست به همین خاطر در علومی مثلُ فیزیک و ریاضی، دانشــمندان همیّ دریافتهای جدید هستند. بنابراین هر کسی که میاندُیشد.در ایران بسیاری از متفکران واهل دانش نقد را با تحقیر و توهین یکــی میدانند. به عبارت دیگر، این واژه را بار داشتباه می گیرند نقد به معنای

تجربه عرفان، نام دارد این کتاب پر اشکال ترین

نقدبه معنى جديد كلمه ازجمله دسستاور دهاى تفکری مغربزمین است. به بیان دیگر در فکر سنتی در غربو شرق نقد به معنای جدید آن وجود موجود در آن پی ببرد و در صــورت امکان درصدد رفع خلاهای موجود در آن فــرد یا مکتب بر آید. با این وجود نقد حُقیقی آن آست که بعد از رسیدن به خلاهای تفکر موجود و رفت آنها باز هم دنبال ر بامعنای جدیدنقد آشنا باشد (البته در جامعه ما کمتر کسی بامعنای حقیقی آن آشناست) این گونه

رد ولطال نیست، بنابراین هر منفکری که با نقدی رد ولطال نیست، بنابراین هر منفکری قار اگرفته پاشد اولین نقاد خودش خواهد بود. آرزوی من هم پاشد اولین نقاد خودش خواهد بود. آرزوی من هم نیان نست که عمر بیستری داشت پاشم با نیانوام خودم کتابا جایی که تاکنون نوشنام (اصلاح کند. علاقمندم کاستی هایی که در کتابهایی پافتهام علاقمندم کاستی هایی که در کتابهایی پافتهام در افغ کند، به عنوان مثال اولین کتابی که نوشنامام در در می خواهد نظر داد. در کتاب کالی که نوشنامام

## تعارفوبىتوجهى؛دوروىيكسكه

را میسازند، اصلا درباره خودروهایی که قرار است ر کی خانههای تازهساز پارک کنند، نمی اندیشند. اصلافکر نمی کنند این خودروها باید کجا پارک شوند؟بااین وجودبهاعتقادمن مردم ایران،افرادی با

وطاقت فرسا باشداما انتخاب وتلاش افراد دراين

مرحله اول،مى تواندېسيار تعيين كننده باشد،

و مُشكلات براي ُهمه آدمُها به گونهاي وجود دارد اما

نغییر نگرش دراین باره بسیار موثر است. ما انسان ها

بکدیگر است. حالا هر کس به هر نحوی که می تواند

یددیدر است حه سر سی به ر ر بی این کار راانجام دهد آرزویم این است تمام زنان این کشور در آرامش و شادمانی زندگی کنند برای تحقق -

امروز به چی فکر می کنی؟

آرزوهایشاندعامی کنم.

در این زمینه مشکلی که بیشتر ما با آن دست به گریبانیم، رفتار متفاوتی است که همین مردم در رد. ۱۳۰۰ را اماکن و فضاهای عمومی از خود نشــان می دهند (این مکان عمومی شــامل محل و افراد میشود). به نظر من صایرانیان با وجود تعارف کردن های پرتکرار با کسانی که آنها را مشناسیم، در برخورد با افراد ناشناس حق این افراد را در نظر نمی گیریم، به سرد میکی بیرینی از ســوی دیگر نظافتی که در خانه داریم، در کوچه و خیابان رعایت نمی کنیم. به گمان من با توجه به ر ۱۳۰۰ رین می این مردم بالاست واز نظر تاریخ تمدنی وفرهنگی از مردم سایر کشورها چیزی کم ندارد، می شود آمیدوار باشیم وضع مردم در حوزه فرهنگ عمومی با بهبود همراه باشد.

رى. بهبر- مسره بست. آنچهباعثبهوجودآمدنچنین اولینموضوعی که مراناراحتمی کند ساختوسازهای پی رویهای فضایی شده، فقدان آموزش در رادیو و تلویزیون، مدرســه و ـ است. كافي است مقوله آموزش ست که در تمام شهر شاهدش هستیم.عاملان این کارباقطع راجدی بگیریم تابه تأثیراتُ باور نگردنی آن دست پیدا کنیچ درختانسراسرشهر،دارند ساختمانهایسربهفلک ر کی ت وقتی مردم با پشت سر گذاشتن آموزشهای فرهنگی، سعی در کشیدهرا جایگزین سبزی و زیبایی می کنند رر ص ر انجام صحیحتر رفتارها کردند و پاسخ این عمل رااز جامعه دریافت کردند، تکرار رفتارهای

صحیح فرهنگی افزایش پیدا می کند. همین جاست که با واژههای تحت عنوان «تربیت ثانوی» مواجه می شبویم اما تا وقتی به اُن مرحله نرسیدهایم، باید دنبال حل ریشه های موضوع باشیم برای خودمن هم دیدن انسان های محترمی که با وجود احترام فراوان به همسایه و آشنایان، به محض سوار شدن خودرو قانون را زیر پامی گذارند، جالب و شُكُفتانگيز اُسُت. هُنُوزُ نَتُوانْستهام ريشه 

بورحد(مارہستسے برداشتی که تاکنون درباره این مقوله داشتهام، این است که هر کسے علاقهمند است گلیم خودش رااز آب بیرون بکشد و تازه بعداز آن است که به احترام گذاشتن به شهروندان می اندیشد. تنهاراه حلی که هماکنون به ذهنم می رسد، آموزش است و آموزش. منظـورم رفتارهای آموزشـی است که با سیاستهای تنبیهی و تشويقي همراه باشد.



شهر بزرگترین دغدغه انسان هایی است که ردگی خود را در چارچوب آن می گذرانند؛ گذرانی زندگی خود را در چارچوب آن می گذرانند؛ گذرانی که گاهی باعث کدورت خاطر نیز می شــود! وضع امسروز تهران طوری است که کدورت میی آوردو مرا هم مانند بقیه شیهروندان ناراحت کرده است. نابُسامانیهای موجود در شهر بر زندگی تک تک مااثر خود را گذاشته است. اولین موضوعی که مرا ر ر ر حصصه المحد وین موسوی تحصی ناراحت می کند، ساختوسازهای بی رویهای است ناراحت می نیاد استخواسی پررویدی است که در تمام شهر شاهدش هستیم عاملان این کال با قطع درختان سراس شهر، دارند ساختمان های سر به فلک کشیده راجایگزین سـبزی و زیبایی می کنند. جالب اینجاست که هیچ کنام از عاملان

ساخت و سسازهای گسترده شیهر، به نیاز مردمی که قرار اُست در آنهازنُدگی کنند، توجه ندارند هیچکس به اصلی ترین نیاز انسانها فکر نمی کند. به این که کسانی که قرار است در آن خانه ها باشند بسرای تنفس به فضای سیز و . درخــتنیاز دارنــدرویکردی که در مورد این ساختوسازها وجود دارد، فقط به بازدههای کو تاهمدت توحه کرده است. مواهدات توجه نرده است. هیچکس فکر نمی کنداین آدمهابچههایسی دارند که باید فردا جوابگویشان باشیم البته

شُهرداری هر از گاهی چند درخت این سو و آن سو می کاردامااین کاربیشتر شبیه دلخوش کنگ است. وقتی به محیط دور و برم نگاه می کنم، میبینم ر ی. . . وروبر، — دسی سم، سی بیسم تمام درختهااز بین رفتهاند. اگر به ده اوین آمده باشیددریافته ایداین منطقه جزومعدود مکانهایی است که با کوشـشهای فراوان در حال حفظ بافت قدیمی خویشُ بود. این مکانُ اگر دُر هر جای دیگر دنیامی بود، آن را به عنوان بخشی از میراث فرهنگی حفظ مى كردندامادر ايران هيج كسبه اين مناطق

. امــروز اگر بــه ده او یــن بروید ســاختمان های امسورز افریسه ده وسن بروید سسختمان های سر به فلک کشیدهای را می پینید که معدود درختهای باقی ماند را محاصر کردهاند الولید چیزی که در این شهر مرا غمگین و ناراحت کرده، ساختمان سازی در کوچههای تنگ و محلههای پرخاطره قدیمی است. کسانی که این ساختمان ها



# طرح «آسمان آبي، زمين پاك»



